

دریافت تاریخ: ۹۰/۱۰/۰۶

دریافت پذیرش: ۹۰/۱۱/۲۵

## مؤلفه‌های اساسی بیداری اسلامی در اندیشه سیاسی حضرت امام خمینی (ره)

زاهد غفاری هاشجین<sup>۱</sup>

قدسی علیزاده<sup>۲\*</sup>

۱. استادیار علوم سیاسی و جامعه‌شناسی انقلاب اسلامی دانشگاه شاهد، تهران، ایران.  
۲. کارشناس ارشد جامعه‌شناسی انقلاب اسلامی دانشگاه شاهد، تهران، ایران.

### چکیده

مقاله حاضر به بررسی مؤلفه‌های اساسی بیداری اسلامی در اندیشه سیاسی حضرت امام خمینی (ره) به‌عنوان منادی اصلی بیداری اسلامی در دنیای معاصر می‌پردازد. تأثیر و نفوذ امام (ره) به‌عنوان رهبر نظریه‌پرداز اسلامی از منظر اعتقادی، اجتماعی و سیاسی نه تنها در میان تشیع بلکه در تاریخ اسلام بی‌نظیر و افتخارآمیز است. زیرا اندیشه‌های امام خمینی (ره) در قلمرو جغرافیایی ایران، دنیای اسلام و به‌طور کلی در جهان گسترش یافته است. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی آثار و اندیشه‌های سیاسی امام (ره) به شکل خاص در قلمرو جهان اسلام مورد توجه و الگو قرار گرفت. در این راستا جنبش‌ها و حرکت‌های اسلامی با الهام از اندیشه‌های سیاسی امام خمینی (ره) از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی شکل گرفت و امروزه در قالب انقلاب‌ها و بیداری اسلامی در کشورهای خاورمیانه گسترش یافت. در این مقاله سعی بر این است تا بر اساس روش کیفی تحلیل مطالعات تاریخی و اسنادی به این سؤال اساسی پاسخ داده شود که «مؤلفه‌های اساسی بیداری اسلامی در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) چیست؟» در پاسخ به این سؤال، داده‌های تحقیق نشان می‌دهد که در این باره می‌توان به مؤلفه‌هایی از قبیل الگوی ساختار حکومتی مبتنی بر نظریه ولایت فقیه، تأکید بر عدم جدایی دین از سیاست، جهان‌شمولی حکومت اسلامی، لزوم حمایت و دفاع از مظلومان جهان، اصل دعوت و صدور انقلاب اسلامی، نفی سبیل و عدم تعهد به دول شرق و غرب، استکبار ستیزی، تأکید بر امت واحده و نفی ملی‌گرایی و نظایر آن در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) اشاره کرد.

**واژه‌های کلیدی:** امام خمینی (ره)، بیداری اسلامی، انقلاب اسلامی، جهان اسلام، جنبش‌های اسلامی.

\* ایمیل نویسنده مسئول:

Email:alizadeh.gh@gmail.com

وقوع انقلاب اسلامی در ایران آغاز موج و حرکتی بود که از آن به بیداری اسلامی تعبیر شده است. موج بیداری اسلامی که امروزه شمال آفریقا و کشورهای خاورمیانه را در نور دیده، پیامد و میراث انقلاب اسلامی ایران است که از ۳۳ سال پیش به رهبری حضرت امام خمینی (ره) به یادگار مانده است. با توجه آثار انقلاب اسلامی و اندیشه‌های امام و با مهیا بودن شرایط مختلف، موج بیداری اسلامی در سال ۱۳۸۹، از تونس شروع و سراسر خاورمیانه عربی و شمال آفریقا را فرا گرفت. در سالگرد بیداری اسلامی، تغییر حکومت‌های ستمگرانه تونس، مصر، لیبی و همچنین وجود و افزایش بحران و التهاب در یمن، بحرین، کویت، عربستان و اردن مشاهده می‌شود. اعتراضات مردمی این مناطق موجب شده تا معادلات منطقه‌ای، حتی بین‌المللی دستخوش تحولات و دگرگونی‌های عمیقی گردد. تا آن‌جا که در جنبش اعتراضی وال استریت معترضان چنین شعار می‌دادند؛ این‌جا میدان التحریر مصر است.

امواج بیداری اسلامی پایه‌های حکومت‌های موروثی و دیکتاتوری را در هم شکسته و موجبات نگرانی استکبار جهانی شده است. خیزش عظیم مردمی در مصر و تونس نتیجه تحقیر تاریخی مردم مسلمان آن مناطق بوده است. ندای الله‌اکبر از جانب تظاهرکنندگان و معرفی اسلام به‌عنوان تنها راه‌حل؛ نشان از خیزش موج جدیدی از بیداری اسلامی است که منطقه خاورمیانه و شمال آفریقای خفته را بیدار خواهد نمود. این همان نویدی است که انقلاب اسلامی به ملل محروم و مستضعفان دنیا داده بود.

خیزش مردم شمال آفریقا براساس اندیشه بیداری اسلامی بوده و تمام موضوعات دیگر از جمله فشارهای اقتصادی را تحت‌الشعاع خود قرار داده است. شعار الله‌اکبر مردم نشان از بلوغ جوانانی است که دیگر تاب تحمل تحقیر دین و سنت‌های خود را نداشته و عزت خویش را در سایه اسلام ناب می‌جویند. چنان‌که امام خمینی (ره) با احیای اسلام ناب، عزت و سربلندی را برای ایران به ارمغان آورد و در تاریخ ماندگار شد. امروز جنبش‌ها و حرکت‌های اسلامی در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا با شعارهای دینی رو به گسترش است. موج بیداری در جهان اسلام با شعار الله‌اکبر در نمازهای جمعه و مساجد در حال گسترش است. این حرکت‌ها و بیداری اسلامی به معنی رسیدن ندای حق طلبی انقلاب اسلامی ایران و صدور آن به همه دنیا است.

همچنین نظریه بیداری اسلامی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای سرلوحه مناسبی برای وحدت اسلامی و به‌عنوان منشور مبارزاتی و وحدت‌بخش جهان اسلام تلقی می‌شود. نظریه بیداری اسلامی ایشان از مبارزه با غرب در ابعاد نظامی شروع و به مبارزه با

وابستگان غرب در رژیم‌های سیاسی می‌رسد. سپس به نظام‌سازی و مردم‌سالاری اسلامی و از آن‌جا به سمت تمدن اسلامی می‌رود. بنابراین سیر تکاملی را طی می‌نماید (نجفی، ۱۳۹۰). لذا می‌توان گفت موج بیداری اسلامی ادامه راه امام خمینی (ره) و در جهت تحقق آرمان‌های ایشان و آیت الله خامنه‌ای در سراسر جهان است. در این مقاله با هدف شناخت مؤلفه‌های اساسی بیداری اسلامی در اندیشه سیاسی حضرت امام خمینی (ره) بر اساس روش کیفی تحلیل مطالعات تاریخی و اسنادی با مراجعه به آثار مرتبط با موضوع، ابتدا به شکل مختصر به کلیاتی درباره مفهوم و جریان بیداری اسلامی اشاره شده و در ادامه سعی شده است مؤلفه‌های بیداری اسلامی در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) ذکر شود.

## الف - کلیاتی در باره مفهوم و جریان بیداری اسلامی

بی‌تردید یکی از تحولات عمده سیاسی - اجتماعی قرن بیستم، همچنین در دهه‌های اخیر، پدیده اسلام‌گرایی یا تجدید حیات ایده سیاسی مبتنی بر اسلام بوده است. (زارع، ۱۳۸۳: ۷۷) در تعریف بیداری اسلامی آمده است: بیداری، ضد خواب و در معنای فعال شدن هوش (آگاهی) است. بیداری اسلامی به معنای زنده شدن دوباره در پرتو اسلام اصیل است؛ به بیان دیگر، در معنای تجدید حیات اسلام در کالبد فرد و جامعه به کار می‌رود که در پناه آن، استقلال، عدالت و همه آموزه‌ها و ارزش‌های متعالی خداوند، بار دیگر حیات می‌یابد. بیداری اسلامی، دعوت مجدد به اسلام، احیای ارزش‌های اسلامی و دعوت به سوی احیای ارزش‌های اسلامی است. بیداری اسلامی بر خلاف تنوع گرایش‌ها، منادی پیام واحدی در قالب احیاء و تقویت تمدن اسلامی است. بنابراین، هدف نهضت بیداری اسلامی، تشکیل یک تمدن محمدی جهانی است که در آن، عقلانیت با معنویت، قدرت با اخلاق، دانش با ارزش و علم با عمل جمع می‌گردد. (صوفی نیارکی، ۱۳۹۰؛ یزدان دوست، ۱۳۹۰)

بیداری اسلامی در ابتدا، خیزش‌های پراکنده‌ای از سوی مسلمانان کشورهای اسلامی در مواجهه با غرب و مدرنیته بود. بنابراین تاریخ این جریان را باید به سال‌های نخست این رویارویی، یعنی زمان حمله ناپلئون به مصر دانست. این حمله با حملات دیگر کشورهای غربی به دیگر کشورهای اسلامی همراه بود. با ورود تدریجی تکنولوژی و اندیشه‌های غربی و مدرن، موجب تحركات شدیدی در جهان اسلام گردید. بر همین اساس بیداری اسلامی در آغاز پیدایش، بیشتر واکنشی احساسی به غرب بود، اما این جریان به این‌جا ختم نشده بلکه با نفوذ بیشتر مدرنیته در کشورهای اسلامی ابعاد تازه‌ای یافت. (نجفی، ۱۳۸۶: ۱۷)

البته باید گفت دربارهٔ تعریف بیداری اسلامی، در بین پژوهشگران، وفاق وجود ندارد. بیداری اسلامی به پدیده‌ای اجتماعی تعبیر می‌شود که به معنای بازگشت بیداری و هوشیاری امت اسلامی است، تا به خود باوری برسد و به دین و کرامت و استقلال سیاسی، اقتصادی و فکر خود مباحث کرده و در راستای ایفای نقش طبیعی خود به‌عنوان بهترین امت برای مردم تلاش کند. به بیان دیگر منظور از بیداری اسلامی را می‌توان مجموعه‌ای از باورهای دینی دانست؛ که امروزه در میان مسلمانان عالم گسترش پیدا کرده است. به‌طور اساسی می‌توان گفت بیداری اسلامی از مصادیق باورها و گرایش معنوی در جهان اسلام است. لذا حرکتی که هدف آن بازگشت به اسلام ناب و هویت فراموش شده دینی، رهایی از دست استکبار جهانی باشد؛ بیداری اسلامی گویند. این اعتقاد مشترک نسبت به آموزه‌های دینی در بین مسلمانان سراسر جهان وجود دارد. (خدادادی، ۱۳۹۰)

در توضیح دیگری در باب بیداری اسلامی آمده است: بیداری اسلامی به مفهوم تبعیت و پیروی از آموزه‌های کامل‌ترین دین الهی است. در نتیجه، بیداری اسلامی به معنی حیات برتر و یا تلاش جهت دستیابی به آن است و این حیات، تنها از دین، قابل دریافت است. زیرا، خدا به انسان و جهان حیات بخشیده و پیامبرش ما را به آنچه زنده می‌کند، فرا خوانده است. بیداری یا احیاگری اسلامی نوعی اصلاح دینی است، البته نه به معنای اصلاح دینی در غرب، که در پی آن، دین به قلمرو شخصی رانده شده و از حوزه حیات اجتماعی بیرون رفت. بیداری اسلامی، زنده داشتن انسان و حیات اجتماعی بر مبنای دین و به شیوهٔ دینی است. (شیرودی، ۱۳۹۰)

همچنین مهم‌ترین رکن نظریه بیداری اسلامی آیت‌الله خامنه‌ای که علت وقوع تحولات اخیر هم هست، احساس تحقیر شدن امت اسلامی و تلاش برای بازگرداندن عزت و کرامت به این امت است. در حالی نظریات دیگر بر فقر، نابرابری، ظلم و خشونت تأکید دارند. بیداری اسلامی علاوه بر این موارد، با احساس تحقیر شدن همراه است. امروز مسلمانان متوجه این مسئله هستند که باید به دنبال کرامت انسانی خود باشند. (نجفی، ۱۳۹۰)

می‌توان ادعا نمود بیداری اسلامی و بازگشت به ارزش‌های اسلامی، تقویت جنبش‌های اسلامی ضدیت با سیاست‌های مداخله‌جویانه و ارزش‌های غربی در جوامع اسلامی مرهون پیروزی و تداوم انقلاب اسلامی است. (محمدی، ۱۳۹۰) از آن‌جا که امام خمینی (ره) به‌عنوان یک مصلح دینی و احیاگر اسلام ناب محمدی (ص) بوده؛ نیز از آن‌جا که امروزه قیام ایشان به‌عنوان الگو، ریشه و سرآغاز جنبش بیداری اسلامی مسلمین در سایر سرزمین‌های اسلامی است؛ توجه به اندیشه سیاسی و آراء ایشان در این زمینه

قابل تأمل و راهگشا خواهد بود.

اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) متأثر از ابعاد مختلف اندیشه‌های ایشان در حوزه‌های عرفانی، فقهی، فلسفی و کلامی است. همچنین ایشان متفکری بود که در حوزه‌های گوناگون اسلامی اشراف داشت؛ این ویژگی‌ها از ایشان شخصیتی جامع‌الاطراف با اندیشه‌ای عمیق و ماندگار ساخته بود. چنان‌که می‌توان نوعی نظام اندیشه‌ای منسجم، جامع، منطقی و مرتبط به هم را در آثار مختلف ایشان یافت. در تصویر جهانی از امام خمینی (ره) وجه رهبری سیاسی امام خمینی (ره) در مقام رهبر بزرگ‌ترین انقلاب غلبه داشته و ایشان فردی شناخته شده‌اند که با بسیج مردم، موفق به واژگونی نظام قدرتمند شاهنشاهی شد. (فوزی تویسرکانی، ۱۳۸۸: ۱۷-۱۵)

در حقیقت امروزه ابعاد بسیج‌کنندگی، رهبری انقلاب و معماری نظام جدید سیاسی تصویر غالب از امام خمینی (ره) است؛ اما ایدئولوگ بودن وجه با اهمیت و پنهان تصویر ایشان است. اهمیت اندیشه امام خمینی (ره) در جهان امروز از ابعاد مختلف قابل بررسی است. ابتدا امام خمینی (ره) به‌عنوان ایدئولوگ انقلاب اسلامی بوده و لذا برای شناخت ایدئولوژی اصیل انقلاب اسلامی باید زوایای اندیشه ایشان را شناخت. دوم با شناخت اندیشه ایشان می‌توان شاخصی مناسب در جهت ارزیابی درستی مسیر حرکت انقلاب اسلامی تعیین و به آسیب‌شناسی آن پرداخت. در نهایت شناخت اندیشه امام خمینی (ره) به‌عنوان الگو و مصلح دینی در جهان معاصر، برای مسلمانان از اهمیت برخوردار است؛ زیرا ایشان تلاش نمودند در جهان امروز بین مذهب و سیاست پیوند دوباره‌ای برقرار ساخته و با احیای جایگاه معنویت و دین‌گرایی، رابطه تخریب‌شده دین و دنیا و عقل و دین را بازسازی و اصلاح نمایند (همان‌جا). لذا در این پژوهش سعی شده است با توجه به نمودار زیر به مؤلفه‌های اساسی بیداری اسلامی در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) پرداخته شود.

تأکید بر عدم جدایی دین از سیاست

الگوی ساختار حکومتی مبتنی بر نظریه ولایت فقیه

احیا و تقویت تمدن اسلامی

لزوم حمایت و دفاع از مظلومان جهان

اصل دعوت و صدور انقلاب اسلامی

نفی سبیل و عدم تعهد به دول شرق و غرب

استکبار ستیزی

تأکید بر امت واحده و نفی ملی‌گرایی

مؤلفه‌های اساسی  
بیداری اسلامی  
در اندیشه سیاسی  
امام خمینی (ره)

## ب- مؤلفه‌های اساسی بیداری اسلامی در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)

مؤلفه‌های اساسی بیداری اسلامی در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) مبتنی بر آموزه‌ها و احکام اسلامی بوده و در حل بحران‌های جوامع امروز به‌ویژه جوامع اسلامی راه‌گشا است. لذا در این بخش به اختصار به بیان این مؤلفه‌ها پرداخته می‌شود.

### ۱- تأکید بر عدم جدایی دیانت از سیاست

توجه و تأکید به چنین مؤلفه‌ای از زمان کسانی چون سید جمال‌الدین اسدآبادی تا زمان کنونی توسط رهبران جنبش‌های بیداری اسلامی، اهمیت بیش از پیش آن را نشان می‌دهد و بیانگر آن است که توجه به این مؤلفه مهم از جانب مسلمانان می‌تواند آنان را به‌طور گسترده به صحنه سیاسی اجتماعی جامعه کشانده و امواج بیداری اسلامی را به شکل وسیع ایجاد و تقویت نماید. بر این اساس است که رابطه دین و سیاست و جایگاه سیاست در اسلام، یکی از مباحث مهم در اندیشه امام خمینی (ره) است.

امام خمینی (ره) مشکل امروز بشر را تضعیف جایگاه و نقش دین در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی دانسته و راه حل را نیز احیای جایگاه و نقش دین در عرصه سیاست و اجتماع بیان می‌دارند. (فوزی تویسرکانی، ۱۳۸۸: ۹۵) مهم‌ترین راه حلی که امام خمینی (ره) برای مشکلات انسان‌های هم‌عصر خود ارائه می‌کند، تعامل دین و سیاست می‌دانند. (جهان بزرگی، ۱۳۷۸: ۹۷)

امام خمینی (ره) در شرایطی به طرح این بحث پرداختند که یک جریان فکری سکولار در دوران پهلوی قدرت یافته و به شدت سعی بر آن داشت تا حضور دین را در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی تضعیف نماید. این جریان فکری، دین را امری فردی دانسته و حضور آن را در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی مغایر با الگوی نوسازی می‌دانست. (فوزی تویسرکانی، ۱۳۸۸: ۹۶) بنا به گفته امام خمینی (ره) در آن زمان، اگر روحانیون در مسائل سیاسی و اجتماعی دخالت می‌کردند به‌عنوان آخوند سیاسی شناخته می‌شدند و کلمه آخوند سیاسی دارای بار منفی بود. (صحیفه نور، ج ۴: ۲۵۸)

این وضعیت مبتنی بر دیدگاه سکولاریستی بود. در دیدگاه سکولار حوزه عملکرد دین و سیاست از هم جدا است. بدین معنا که حوزه عملکرد سیاست، اجتماع و حوزه عملکرد دین فرد است. این نظریه در غرب پس از پایان قرون وسطی رواج یافت. اما جهان اسلام نیز در دوران اخیر و متأثر از نگرش‌های غربی طرفدارانی یافت. اما مدافعان این تفکر در جهان اسلام از وجود تفاوت در ماهیت سیاسی - اجتماعی اسلام و مسیحیت، غافل بودند. (فوزی تویسرکانی، ۱۳۸۸: ۹۷-۹۶)

این گروه اجرای احکام اسلام در جامعه را مانع توسعه و پیشرفت آن می‌دانستند. امام خمینی (ره) در همین رابطه می‌فرماید: «این ماجراجویان، عقب افتادن خودشان را از ملل دنیا و بازماندن از تمدن امروز اروپا را عقیده به دین و پیشوایان آن حساب می‌کنند؛ افسار گسیختگی و ترک مراسم دینی را اسباب تعالی و تمدن می‌شمارند.» (موسوی الخمینی، بی‌تا: ۲۰) در آثار ایشان تعبیر متعددی در تأکید بر رابطه دین و سیاست مشاهده می‌شود (صحیفه نور، ج ۱: ۲۷۰؛ موسوی الخمینی، ۱۳۷۹، ج ۲: ۴۷۲).

امام خمینی (ره) بنا به دلایلی که خواهد آمد بر عدم جدایی دین از سیاست تأکید داشتند. اول آن‌که در نگاه ایشان اسلام دینی کامل و جامع است. (جمشیدی، ۱۳۸۸: ۲۱۸) لذا با امور سیاسی و اجتماعی رابطه تنگاتنگ دارد. ایشان می‌فرمایند: «[اسلام] مکتبی است که بر خلاف مکتب‌های غیر توحیدی، در تمام شئون فردی و اجتماعی و مادی و معنوی و فرهنگی و سیاسی و نظامی و اقتصادی دخالت و نظارت دارد و از هیچ نکته، ولو بسیار ناچیز که در تربیت انسان و جامعه و پیشرفت مادی و معنوی نقش دارد فروگذار ننموده است» (صحیفه نور، ج ۲۱: ۴۰۳-۴۰۲).

امام خمینی (ره) در همین رابطه در جایی دیگر می‌فرماید: «مذهب اسلام ... خود دارای سیستم و نظام خاص اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی بوده است که برای تمامی ابعاد و شئون زندگی فردی و اجتماعی قوانین خاصی وضع کرده است و جز آن را برای سعادت جامعه نمی‌پذیرد. مذهب اسلام هم‌زمان با این‌که به انسان می‌گوید که خدا را عبادت کن و چگونه عبادت کن؛ به او می‌گوید چگونه زندگی کن و روابط خود را با سایر انسان‌ها باید چگونه تنظیم کنی، و حتی جامعه اسلامی با سایر جوامع باید چگونه روابطی را برقرار نماید. هیچ حرکت و عملی از فرد و یا جامعه نیست مگر این‌که مذهب اسلام برای آن حکمی مقرر داشته است.» (صحیفه نور، ج ۵: ۳۸۹) همچنین ایشان وجود احکام سیاسی- اجتماعی و اقتصادی در قرآن را بیشتر از مسائل عبادی دانسته و استدلال می‌نمایند، علت این امر آن است که انسان با وجود این احکام به اصلاح زندگی دنیوی و چگونگی اداره جامعه خود توجه خواهد نمود. (موسوی الخمینی، ۱۳۷۵: ۱۲-۱۱)

ایشان دلیل دوم را یکسان بودن هدف در دین و سیاست می‌دانند. دین و سیاست به جهت رسیدن انسان به سعادت، در پی تحقق عدالت در جامعه بوده؛ لذا از یکدیگر نمی‌توانند جدا باشند. امام خمینی (ره) سیاست را به سه نوع شیطانی، مادی و الهی تقسیم می‌نمایند. (جمشیدی، ۱۳۸۸: ۲۰۵؛ فوزی تویسرکانی، ۱۳۸۸: ۱۰۱-۱۰۰) در رابطه با نوع الهی آن می‌فرماید: «سیاست این است که جامعه را هدایت کند و راه ببرد، تمام مصالح جامعه را در نظر بگیرد و تمام ابعاد انسان و جامعه را در نظر بگیرد، و این‌ها را هدایت



کند به طرف آن چیزی که صلاحشان هست، صلاح ملت هست.» (صحیفه نور، ج ۱۳: ۴۳۲).

امام خمینی (ره) در بیان دلیل سوم عدم جدایی دنیا از آخرت را مطرح می‌کنند. چرا که حیات و سعادت اخروی انسان با چگونگی حیات او در دنیا در ارتباط است. از دیدگاه ایشان این هر دو در ارتباط و در ادامه یکدیگرند. (موسوی الخمینی، ۱۳۷۲: ۴۵) و یا می‌فرمایند: «گمان نباید بشود که اسلام آمده است برای این‌که، این دنیا را اداره بکند، یا آمده است فقط برای این‌که مردم را متوجه به آخرت بکند، یا آمده است که مردم را آشنای به معارف الهیه بکند. محدود کردن، هر چه باشد خلاف واقعیت است. انسان غیر محدود است و مربی انسان غیر محدود است و نسخه تربیت انسان که قرآن است غیر محدود است؛ نه محدود به عالم طبیعت و ماده است، نه محدود به عالم غیب است، نه محدود به عالم تجرد است، همه چیز است.» (صحیفه نور، ج ۱۲: ۴۲۲).

از دیگر دلایل مورد توجه امام خمینی (ره)، پیوند دین و سیاست در آموزه‌های قرآن و سیره پیامبر (ص) و ائمه معصومین (ع) است. (جمشیدی، ۱۳۸۸: ۲۲۴؛ فوزی، ۱۳۸۸: ۱۰۳) ایشان می‌فرمایند: «سنت و رویه پیغمبر اکرم دلیل بر لزوم تشکیل حکومت است؛ زیرا اولاً خود تشکیل حکومت داد... ثانیاً پس از خود، به فرمان خدا تعیین حاکم کرده است. سیره حضرت علی (ع) نیز مؤید همین معناست، چه آن حضرت پس از بیعت مردم با او به دنبال عزل و قتل عثمان، مبادرت به ایجاد سازمان حکومتی و اجرایی نموده و پس از آن حضرت، امام حسن مجتبی (ع) نیز تا زمان انعقاد صلح با معاویه به مدت شش ماه شیوه پدر و جد خویش را ادامه داده است. بنابراین ضرورت دارد این روند جهت استمرار اجرای احکام اسلام در همه زمان‌ها از جمله دوران غیبت ادامه یابد.» (موسوی الخمینی، بی‌تا: ۲۶)

ایشان همچنین در جایی دیگر به نقد افرادی که بر جدایی دین از سیاست تأکید دارند؛ پرداخته و به سیره و روش معصومین (ع) در این زمینه اشاره می‌نمایند. (موسوی الخمینی، ۱۳۷۵: ۲۲) همچنین ایشان در بخش‌های مختلف کتاب ولایت فقیه به این موضوع پرداخته‌اند.

از دیگر دلایل امام خمینی (ره) در باب نفی جدایی دین از سیاست می‌توان به ماهیت سیاسی بسیاری از احکام اسلام اشاره نمود. چرا که اجرای بسیاری از احکام (خمس، زکات، دفاع ملی و...) و عمل به آن‌ها مستلزم تشکیل حکومت است. ایشان در این باره می‌فرمایند: «بسیاری از احکام، از قبیل دیات ... یا حدود و قصاصی که باید با نظر حاکم اسلامی اجرا شود، بدون برقراری یک تشکیلات حکومتی تحقق نمی‌یابد. همه این



قوانین مربوط به سازمان دولت است؛ و جز قدرت حکومتی از عهده انجام این امور مهم برنمی‌آید.» (موسوی الخمینی، ۱۳۷۵: ۳۴)

و یا در جایی دیگر می‌افزایند: «این همه احکام در اسلام نسبت به ... حکم به قتال، حکم به جهاد، حکم به این‌ها هست؛ اسلام از سیاست دور است؟! اسلام فقط تو مسجد رفتن و قرآن خواندن و نماز خواندن است؟! این نیست؛ این احکام را دارد و باید این احکام هم اجرا بشود.» (صحیفه نور، ج ۳: ۲۲۸)

ایشان جدایی دین از سیاست را موجب جدایی قوای روحی و مادی از یکدیگر می‌دانند. لذا می‌فرمایند: «حضور دین در صحنه سیاسی موجب کاهش فساد، دزدی، خیانت، جنایت و بی‌عفتی و... می‌شود. با تضعیف جایگاه دین و روحانیت در جامعه خلل‌هایی در کشور پیدا می‌شود که صدها دادگستری و شهربانی نمی‌توانند بخش کوچکی از آن را اصلاح کنند.» (موسوی الخمینی، بی تا: ۱۹۰ و ۲۰۲) امام خمینی (ره) بر اساس سیره پیامبر (ص) و حضرت علی (ع) اعتقاد دارند مسجد تنها محلی برای عبادت نیست بلکه محل سیاست، اقتصاد و فرهنگ جامعه نیز بوده است. (جمشیدی، ۱۳۸۸: ۲۲۱)

از دیدگاه امام خمینی (ره) استعمارگران برای رسیدن به اهداف و مقاصد خویش از حربۀ جدایی دین و سیاست استفاده نموده‌اند. (موسوی الخمینی، ۱۳۷۵: ۲۲) حکومت‌های وابسته و غرب‌زدگان بومی از جمله افرادی هستند که در این راه به استعمارگران مدد می‌رسانند. (موسوی الخمینی، بی تا: ۳۳۱) علاوه بر گروه‌های ذکر شده روحانیون دنیاپرست، ناآگاه و بی‌خبر از اسلام با وارونه معرفی نمودن اسلام به این مقصود دست یافته‌اند. (موسوی الخمینی، ۱۳۷۵: ۱۰)

## ۲- الگوی ساختار حکومتی مبتنی بر نظریه ولایت فقیه

از نخستین روزهای پیدایش اسلام، محتوای سیاسی مکتب اسلام جنبش و جهاد را می‌طلبید. پیامبر (ص) خود اولین گام‌ها را در این راه برداشته و در اولین فرصت، حرکت سیاسی خود را آغاز نمود. ایشان با هجرت به مدینه و تشکیل حکومت اسلامی فعالیت سیاسی نظامی خویش را برای اجرای احکام و دستورات الهی بنیان گذارد. به اعتقاد امام خمینی (ره) حرکت سیاسی پیامبر (ص) باید پس از او تداوم می‌یافت و در این راستا پیامبر (ص) خلیفه‌ای لازم داشت تا پس از وی همین وظیفه را ادامه دهد. بدین معنی که ضمن بیان عقاید و احکام؛ تفسیر و پاسداری از اسلام، اجرا و تنفیذ آن را نیز عهده‌دار باشد. (جهان بزرگی، ۱۳۸۷: ۵۰)

به نظر امام «بدیهی است ضرورت اجرای احکام، که تشکیل حکومت رسول اکرم (ص) را لازم آورده، منحصر و محدود به زمان آن حضرت نیست؛ و پس از رحلت

رسول اکرم (ص) نیز ادامه دارد. طبق آیه شریفه، احکام اسلام محدود به زمان و مکانی نیست و تا ابد باقی و لازم الاجراست. ... بنا براین، چون اجرای احکام پس از رسول اکرم (ص) و تا ابد ضرورت دارد، تشکیل حکومت و برقراری دستگاه اجرا و اداره ضرورت می‌یابد... بنابراین، به ضرورت شرع و عقل آنچه در دوره حیات رسول اکرم (ص) و زمان امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (ع) لازم بوده، یعنی حکومت و دستگاه اجرا و اداره، پس از ایشان و در زمان ما لازم است.» (موسوی الخمینی، ۱۳۷۵: ۲۷)

ایشان در جای دیگر در همین باره می‌فرمایند: «پیغمبر اکرم (ص) که از دنیا می‌خواست تشریف ببرد، تعیین جانشین و جانشین‌ها را تا زمان غیبت کرد، و همان جانشین‌ها، تعیین امام امت را هم کردند، به‌طور کلی این امت را به خود وانگذاشتند که متحیر باشند، برای آن‌ها امام تعیین کردند، رهبر تعیین کردند. تا ائمه هدی - سلام الله علیهم - بودند، آن‌ها بودند و بعد فقها؛ آن‌هایی که متعهدند، آن‌هایی که اسلام شناسند، آن‌هایی که زهد دارند؛ زاهدند، آن‌هایی که اعراض از دنیا دارند.» (صحیفه نور، ج ۱: ۲۲)

بر اساس این مفروضات، امام خمینی (ره) نظریه مربوط به ولایت فقیه را ارائه می‌نماید. بررسی آثار ایشان بیان‌کننده آن است که ایشان در چهار مرحله در زمینه ولایت فقیه به بحث پرداخته‌اند. آغاز بحث ایشان در کتاب کشف الاسرار بوده است. در مرحله بعد در دهه چهل، در رساله اجتهاد و تقلید در کتاب الرسائل، بحث امر به معروف و نهی از منکر در کتاب تحریر الوسیله، بحث ولایت فقیه در کتاب البیع، در درس‌های فقهی ایشان با عنوان ولایت فقیه و حکومت اسلامی، به‌طور مبسوط به این موضوع پرداخته‌اند. در این مباحث ایشان اقامه حکومت بر فقها را واجب کفایی شمرده‌اند. در سال ۱۳۵۸، زمانی که اصل ولایت فقیه در قانون اساسی جمهوری اسلامی مورد بحث بود، در سخنرانی‌ها و بیانات خود، دیدگاه‌های خود را مطرح فرمودند. مرحله آخر بیان دیدگاه‌ها و اظهارات ایشان در زمینه اختیارات و شرایط ولی امر، در سخنرانی‌ها و نامه‌ها از ۱۳۶۶ تا زمان رحلت ایشان است. (جمشیدی، ۱۳۸۸: ۵۰۸؛ فوزی تویسرکانی، ۱۳۸۸: ۱۲۳)

بدین ترتیب نظریه حکومتی مورد نظر امام خمینی (ره) تحت عنوان ولایت فقیه مطرح شده که بیان‌کننده شکلی خاص از اداره جامعه بوده و از طریق آن حاکمیت در جامعه اسلامی تحقق می‌یابد. (جمشیدی، ۱۳۸۸: ۵۲۲-۵۲۱) ایشان ولایت فقیه برای مسلمین را یک هدیه الهی از سوی خداوند می‌دانند. (صحیفه نور، ج ۱۰: ۴۰۷) در مورد پیامدها و نتایج آن نیز بیان می‌کنند: «آن‌قدر به ولایت فقیه، اثر مترقی‌بار است که در سایر این مواردی که شما ملاحظه می‌کنید، معلوم نیست ... یک نفر آدمی که همه جهات اخلاقیش و دینتیش و ملی بودنش و علم و عملش ثابت است پیش ملت، و خود ملت این را

تعیین می‌کنند، این نظارت می‌کند بر این که مبدا خیانت بشود.» (صحیفه نور، ج ۱۰: ۵۲۶) ولایت فقیه امام خمینی (ره) حاکمیت الهی را به حاکمیت مردمی پیوند می‌زند. این پیوند نه تنها ولایت همه جانبه‌ای را برای فقیه ارائه می‌کند بلکه به نوعی حاکمیت مردم بر سرنوشت خویش را نیز اعلام می‌نماید. (جهان بزرگی، ۱۳۷۸: ۵۲) ایشان در کتاب کشف الاسرار از حق فقها در حکومت، ضرورت انتخاب سلطان عادل توسط آن‌ها و لزوم نظارت آن‌ها بر قوه مجریه و مقننه سخن گفته‌اند. همچنین در کتاب ولایت فقیه و البیع به صراحت در زمینه ولایت فقیه مطالبی را بیان نموده و بر این مسئله تأکید داشته‌اند که در زمان غیبت، شخص معینی برای تصدی حکومت از سوی خداوند مشخص نشده، اما مشروعیت الهی به عالم عادل تعلق گرفته؛ یعنی خداوند از مسلمانان خواسته است در دوران غیبت به علمای عادل رجوع نمایند. (فوزی تویسرکانی، ۱۳۸۸: ۱۴۰-۱۳۹)

اما امام خمینی (ره) در زمینه چگونگی به قدرت رسیدن ولی فقیه نظر خود را چنین بیان داشته‌اند که علاوه بر تأکید بر مشروعیت الهی عام فقها، در عین حال ولایت را از آن فقیهی می‌دانند که یا با رأی عموم و اکثریت مردم مورد پذیرش قرار گرفته باشد و یا از طریق مجلسی متشکل از فقهای منتخب مردم، به‌عنوان ولی امر انتخاب گردد. (فوزی تویسرکانی، ۱۳۸۸: ۱۴۰) همچنین ایشان حکومت غیر ولایت فقیه را حکومت طاغوت می‌دانند: «اگر چنانچه فقیه در کار نباشد، ولایت فقیه در کار نباشد، طاغوت است. ... اگر با امر خدا نباشد، رئیس جمهور با نصب فقیه نباشد، غیر مشروع است. وقتی غیر مشروع شد، طاغوت است؛ اطاعت او اطاعت طاغوت است؛ ... طاغوت وقتی از بین می‌رود که به امر خدای تبارک و تعالی یک کسی نصب بشود.» (صحیفه نور، ج ۱۰: ۲۲۱)

بر اساس مدل مطلوب امام خمینی (ره) اگر چه همه فقها واجد شرایط هستند، اما فقیهی ولی امر مسلمین است که مورد رضایت و پذیرش مردم قرار گیرد، زیرا از نظر ایشان تحمیل بر مردم غیر شرعی است. لذا به قدرت رسیدن فقیه باید بدون تحمیل بر مردم باشد. همچنین از آن‌جا که اعمال ولایت توأمان همه فقها موجب هرج و مرج خواهد گشت، دیگر فقها باید از فقیهی که به قدرت رسیده تبعیت و پیروی نمایند. (فوزی تویسرکانی، ۱۳۸۸: ۱۴۱-۱۴۰) ایشان در ارتباط با به قدرت رسیدن ولی فقیه فرموده‌اند: «ولایت در جمیع صور دارد. لکن تولی امور مسلمین و تشکیل حکومت بستگی دارد به آرای اکثریت مسلمین، که در قانون اساسی هم از آن یاد شده است، و در صدر اسلام تعبیر می‌شده به بیعت با ولی مسلمین.» (صحیفه نور، ج ۲۰: ۴۵۹) از سوی دیگر اگر فقیهی بخواهد دیکتاتوری کند یا زورگویی کند از ولایت می‌افتد. (صحیفه نور، ج ۱۰:

۷۲ و ۳۱۰)

این الگوی حکومتی ارائه شده توسط امام خمینی (ره) و تحقق یافته در قالب نظام جمهوری اسلامی ایران را کشورهای اسلامی دیگر می‌توانند با در نظر گرفتن شرایط خاص جوامع خود و متناسب با شرایط حاکم مورد استفاده قرار داده و از تجارب و کارآمدی آن استفاده نمایند.

### ۳- احیا و تقویت تمدن اسلامی

دو امر را در ذات انقلاب اسلامی می‌توان دریافت؛ بازگشت به هویت اصیل ملی که ناشی از مذهب شیعه و اسلام است و دیگری افول غرب که بعضی تئوری‌های غربی آن را نمی‌پذیرند. اما تمدن غربی، تمدن اسلام را رقیب خود دانسته و در حقیقت می‌توان گفت خیزشی که با انقلاب اسلامی و حرکت‌هایی مانند آن آغاز شده، سکولاریزم، مدرنیته و تمدن غربی را به چالش و بحران کشانده، زیرا ورای آن یک اراده تمدن‌سازی وجود دارد. (نجفی، ۱۳۸۷: ۲۲۸ و ۱۴۳)

تمدن اسلامی با ظهور اسلام و تأسیس مدینه‌النبی (ص) آغاز شده، تحول و رشد یافت و تقریباً منحنی و مضمحل شد. بازیابی تمدن اسلامی با انقلاب اسلامی و تشکیل نظام جمهوری اسلامی آغاز شد که به بیداری اسلامی مربوط است و دچار تعارض با فرهنگ سکولار محیط بین‌المللی خود گردید. در نهایت بازیابی تمدن اسلامی باید به عصر ظهور پیوند خورده و تمدنی جهانی با دین و دولت جهانی شکل گیرد. (امه طلب، ۱۳۹۰)

لذا امام خمینی (ره) هدف نهایی از صدور انقلاب را زمینه‌سازی تشکیل حکومت جهانی اسلام می‌داند و این نکته را به همگان گوشزد می‌نماید. «مسئولان ما باید بدانند که انقلاب ما محدود به ایران نیست. انقلاب مردم ایران نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام به پرچمداری حضرت حجت- ارواحنا فداه- است که خداوند بر همه مسلمانان و جهانیان منت نهد و ظهور و فرجش را در عصر حاضر قرار دهد... باید دولت جمهوری اسلامی تمامی سعی و توان خود را در اداره هر چه بهتر مردم بنماید، ولی این بدان معنا نیست که آن‌ها را از اهداف عظیم انقلاب که ایجاد حکومت جهانی اسلام است منصرف کند.» (صحیفه نور، ج ۲۱: ۳۲۷) این امر خود نشان از احیا و ایجاد تمدن اسلامی در نظر ایشان است.

ایشان در وصیت نامه خود نیز به این امر تأکید داشته و می‌فرمایند: «وصیت من به وزرای خارجه در این زمان و زمان‌های بعد آن است که مسئولیت شما بسیار زیاد است، ... کوشش داشته باشید در بهتر کردن روابط با کشورهای اسلامی و در بیدار کردن دولتمردان و دعوت به وحدت و اتحاد کنید که خداوند با شماست.» (صحیفه نور، ج ۲۱: ۴۲۷)

از نظر ایشان حوزه علمیه و دانشگاه باید چارچوب‌های اصیل اسلام ناب محمدی را در جهت بسیج مسلمانان مطرح نمایند؛ تا بدین ترتیب بسیج انقلابی در سراسر جهان تحقق یافته و هسته‌های مقاومت جهانی در مقابل شرق و غرب ایجاد گردد. «باید بسیجیان جهان اسلام در فکر ایجاد حکومت بزرگ اسلامی باشند و این شدنی است، چرا که بسیج تنها منحصر به ایران اسلامی نیست، باید هسته‌های مقاومت را در تمامی جهان به وجود آورد و در مقابل شرق و غرب ایستاد.» (صحیفه نور، ج ۲۱: ۱۹۵)

از ویژگی‌های حرکت امام خمینی (ره) آن است که بر اساس درک فراگیر نسبت به اسلام و داشتن مواضع انقلابی در برپایی یک جامعه اسلامی بر اساس تشکیلاتی خاص و در جهت ایجاد یک دولت اسلامی می‌کوشید. همچنین انقلاب ایران وابسته به یک جریان جهانی فراگیر است که هدف آن برانگیختن روح اسلامی، بیداری امت و هدایت آن تا مرحله رهبری تمدن جهانی است. (الغنوشی، ۱۳۷۲: ۶۹ و ۲۸)

از بسط انقلاب اسلامی تا تمدن اسلامی را در پنج مرحله می‌توان مرحله‌بندی نمود. انقلاب اسلامی، نظام اسلامی، ملت اسلامی، دولت اسلامی و تمدن اسلامی. تحولات اخیر منطقه و کشورهای اسلامی، مرحله سوم این فرایند را محقق ساخته؛ تمدن اسلامی نیز به عنوان بسط یافته‌ترین شکل حاکمیت اسلامی تحقق می‌یابد. (مظاهری مقدم، ۱۳۹۰) بیدارگری رهبر و معمار انقلاب، در تکوین و تداوم بیداری اسلامی، محوری و اساسی بوده است. پس از ایشان با رهبری آیتالله خامنه‌ای جریان بیداری اسلامی عمیقتر گشته و ایشان نیز با حفظ دست‌آوردها، گام به سوی احیای تمدن اسلامی برداشته‌اند. (یوسفی، ۱۳۹۰)

#### ۴- لزوم حمایت و دفاع از مظلومان جهان

دفاع و حمایت از مظلومان و مستضعفان به‌عنوان آموزه‌های قرآنی از مؤلفه‌های مؤثر در حرکت‌های بیداری اسلامی معاصر است. از آن‌جا که امام خمینی (ره) احیاگر اسلام ناب بوده و تداوم‌بخش سیره معصومین (ع) در قالب مهمترین حرکت بیداری اسلامی یعنی انقلاب اسلامی بوده‌اند؛ به لزوم حمایت و دفاع از مظلومان توجه داشته و در این زمینه بیانات متعددی دارند. ایشان می‌فرمایند: «ما طرفدار همه مظلومین در همه جا هستیم، و میل داریم که مظلومین بر همه ستمگران غلبه کنند.» (صحیفه نور، ج ۱۹: ۹۴) همچنین در لزوم احساس مسئولیت مسلمانان در برابر دیگر مظلومان جهان می‌فرماید: «اگر در یک گوشه دنیا یک خطری برای یک برادری پیش بیاید، برادر ایمانی پیش بیاید، نباید یک برادر دیگری که در آن طرف دنیا هست بی‌تفاوت باشد؛ می‌تواند، باید قیام کند، نمی‌تواند؛ باید زمینه فراهم کند که یک‌وقتی رفع ظلم کند.» (صحیفه نور، ج ۱۳: ۱۵۲)

در جایی دیگر از سخنان خود می‌فرماید: «ما با ملت‌ها به هیچ‌وجه مخالفت نداریم. بلکه ما با مظلوم‌ها که ملت‌ها هم از طبقه مظلومین هستند موافق هستیم. و با اشخاصی که ظلم می‌کنند، چه در مملکت خودشان و چه به ملت خودشان ظلم بکنند و چه به ملت‌های ضعیف ظلم بکنند، با آن‌ها ما مخالف هستیم.» (صحیفه نور، ج ۱۱: ۱۲۵) در ادامه نیز می‌افزاید: «ما معادله جهانی و معیارهای اجتماعی و سیاسی‌ای که تا به حال به واسطه آن تمام مسائل جهان سنجیده می‌شده است را شکسته‌ایم. ما خود چارچوب جدیدی ساخته‌ایم که در آن عدل را ملاک دفاع و ظلم را ملاک حمله گرفته‌ایم. از هر عادل‌دلی دفاع می‌کنیم و بر هر ظالمی می‌تازیم، حال شما اسمش را هر چه می‌خواهید بگذارید. ما این سنگ را بنا خواهیم گذاشت.» (صحیفه نور، ج ۱۱: ۱۶۰)

ایشان در کتاب ولایت فقیه به این امر توجه نموده و نجات مظلومان را از وظایف علما بر می‌شمرند «لزوم نجات مردم مظلوم و محروم که از تکالیف الهی مسلمین و به‌خصوص علما می‌باشد.» (موسوی الخمینی، ۱۳۷۵: ۵). در بخش دیگری از این کتاب با عنوان «لزوم نجات مردم مظلوم و محروم» می‌فرماید: «ما وظیفه داریم مردم مظلوم و محروم را نجات دهیم. ما وظیفه داریم پشتیبان مظلومین و دشمن ظالمین باشیم. همین وظیفه است که امیر المؤمنین (ع) در وصیت معروف به دو فرزند بزرگوارش تذکر می‌دهد و می‌فرماید: «دشمن ستمگر، و یاور و پشتیبان ستم‌دیده باشید». علمای اسلام موظفند با انحصارطلبی و استفاده‌های نامشروع ستمگران مبارزه کنند؛ و نگذارند عده‌ی کثیری گرسنه و محروم باشند، و در کنار آن‌ها ستمگران غارتگر و حرام‌خوار در ناز و نعمت به سر ببرند. امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید من حکومت را به این علت قبول کردم که خداوند تبارک و تعالی از علمای اسلام تعهد گرفته و آن‌ها را ملزم کرده که در مقابل پرخوری و غارتگری ستمگران و گرسنگی و محرومیت ستم‌دیدگان ساکت ننشینند و بی‌کار نایستند.» (موسوی الخمینی، ۱۳۷۵: ۳۷)

ایشان با اشاره به وعده‌ی خداوند مبنی بر حاکمیت مستضعفان بر جهان، در پشتیبانی از تمامی ملت‌های مظلوم تأکید می‌کنند: «خدای تبارک و تعالی اراده فرموده است که زمین را به این مستضعفین بدهد، و این مستکبرین را از صحنه تاریخ خارج بکند. و ما ابتداءست که قیام کردیم برای این معنا. و تمام ملت‌های مظلوم را پشتیبانی می‌کنیم. و تمام ملت‌های مظلوم باید ظالم‌ها را از صفحه روزگار بیرون کنند.» (صحیفه نور، ج ۱۱: ۱۳۳)

امام خمینی (ره) در این بیانات مظلومان جهان را نیز دعوت به مقاومت در برابر ظالمین می‌نماید. همین امر الهام‌بخش تمامی افراد حق‌طلب بوده؛ همچنین موجب جنبش و حرکت در میان مظلومان و به‌ویژه ملل مسلمان جهان در نقاط مختلف می‌گردد.

در زمانی دیگر در این باب می‌فرمایند: «کسی که تابع مذهب اسلام است باید با ابرقدرت‌ها مخالفت کند، و مظلومان را از زیر چنگال این‌ها بیرون بیاورد.» (صحیفه نور، ج ۱۳: ۶۹) امام خمینی (ره) نظام اسلامی را موظف به نجات ملل مستضعف می‌داند. «ما باید از مستضعفین جهان پشتیبانی کنیم. ما باید در صدور انقلابمان به جهان کوشش کنیم ... زیرا اسلام... پشتیبان تمام مستضعفین جهان است.» (صحیفه نور، ج ۱۲: ۲۰۲) حمایت از مستضعفان جهان را می‌توان در راستای اصل تألیف قلوب و تمایل مستضعفان عالم به اسلام مورد بحث قرار داد. (فوزی تویسرکانی، ۱۳۸۸: ۲۱۹) از دید امام خمینی (ره)، فلسفه و ریشه وجود ظلم کردن و مظلوم واقع شدن ناشی از عدم تزکیه است. (صحیفه نور، ج ۱۸: ۴۹۹)

## ۵- اصل دعوت و صدور انقلاب اسلامی

این اصل به نوبه خود از مؤلفه‌های تأثیرگذار در جریان بیداری اسلامی معاصر است. امام خمینی (ره) به کرات با اشاره به اهداف اصلی پیامبران و پیامبر (ص) که دعوت جهانیان به اسلام و ارزش‌های آن بوده است؛ یکی از اهداف انقلاب اسلامی را دعوت جهانیان به این ارزش‌ها دانسته و آن را صدور انقلاب معرفی می‌کنند. ایشان در این زمینه می‌فرمایند: «مسئله دیگر صدور انقلاب است که بارها گفته‌ام: ما با کسی جنگی نداریم. امروز انقلاب ما صادر شده است... باید با تبلیغات صحیح، اسلام را آن‌گونه که هست، به دنیا معرفی نماییم.» (صحیفه نور، ج ۱۵: ۳۲۱)

امام خمینی (ره) ابتدا مسلمانان را با تکیه بر وحدت، کتاب و سنت؛ سپس عقلای عالم را با تکیه بر استدلال و خردگرایی خود و در نهایت مستضعفان جهان را با توجه به موضع‌گیری سیاسی در مقابل مداخله‌گری‌ها و چپاول‌های قدرت‌های بزرگ در این دعوت مورد خطاب قرار داده و بر مسالمت‌آمیز بودن آن نیز تأکید دارند. لذا می‌فرمایند: «مایی که می‌خواهیم اسلام در همه‌جا باشد و می‌خواهیم اسلام صادر بشود، ما که نمی‌گوییم که می‌خواهیم با سرنیزه صادر بکنیم؛ ما می‌خواهیم با دعوت، با دعوت به همه‌جا اسلام را صادر کنیم. ما می‌خواهیم یک الگویی از اسلام در عالم - و لو یک الگوی ناقصی باشد - نشان بدهیم که همه عقلای عالم غیر از آن‌هایی که جنایتکاران بالذات هستند، همه ملت‌های مظلوم بفهمند که اسلام چی آورده و می‌خواهد چه بکند در دنیا.» (صحیفه نور، ج ۱۸: ۱۵۷)

ایشان در بخش دیگری به صراحت بیان می‌کنند: «این که می‌گوییم باید انقلاب ما به همه‌جا صادر بشود، این معنی غلط را از او برداشت نکنند که ما می‌خواهیم کشورگشایی کنیم. ما همه کشورهای مسلمین را از خودمان می‌دانیم. همه کشورها باید در محل



خودشان باشند. ما می‌خواهیم این چیزی که در ایران واقع شد و این بیداری که در ایران واقع شد و خودشان از ابرقدرت‌ها فاصله گرفتند و دادند و دست آن‌ها را از مخازن خودشان کوتاه کردند، این در همه ملت‌ها و در همه دولت‌ها بشود، آرزوی ما این است. معنی صدور انقلاب ما این است که همه ملت‌ها بیدار بشوند و همه دولت‌ها بیدار بشوند و خودشان را از این گرفتاری که دارند و از این تحت سلطه بودنی که هستند و از این که همه مخازن آن‌ها دارد به باد می‌رود و خودشان به نحو فقر زندگی می‌کنند، نجات بدهد.» (صحیفه نور، ج ۱۳: ۲۸۱)

ایشان در بخش‌های دیگری از سخنان خود بر عدم تحمیل ارزش‌های اسلامی تأکید دارند: «ما هرگز نمی‌خواهیم ارزش‌های اسلامی را بر غرب تحمیل کنیم. نه بر غرب و نه بر شرق، بر هیچ‌کس و هیچ‌جا اسلام تحمیل نمی‌شود. اسلام با تحمیل مخالف است. اسلام مکتب تحمیل نیست. اسلام آزادی را به تمام ابعادش ترویج کرده است. ما فقط اسلام را ارائه می‌کنیم. هر کس خواست می‌پذیرد و هر کس نخواست نمی‌پذیرد.» (صحیفه نور، ج ۱۱: ۱۵۷) همچنین می‌افزایند: «ما به تمام جهان تجربه‌هایمان را صادر می‌کنیم و نتیجه مبارزه و دفاع با ستمگران را بدون کوچکترین چشم‌داشتی، به مبارزان راه حق انتقال می‌دهیم و مسلماً محصول صدور این تجربه‌ها، جز شکوفه‌های پیروزی و استقلال و پیاده شدن احکام اسلام برای ملت‌های دربند نیست.» (صحیفه نور، ج ۲۰: ۳۲۵) با توجه به بیانات امام خمینی (ره)، ایشان با هدف بیداری مسلمانان به دعوت و صدور انقلاب مبادرت ورزیده و آن را پیش‌بینی می‌نمودند.

در این راستا ایشان به بهره‌گیری از روش‌های مختلفی چون: دیپلماسی پارلمانی، برپایی کنگره‌ها و مجامع عظیم، دعوت فردی و جمعی و... تأکید داشتند. (فوزی توپسرکانی، ۱۳۸۸: ۲۱۶) در همین رابطه می‌فرمایند: «لازم است پایگاه‌های اسلامی برای معرفی اسلام و نشر حقایق نجات‌بخشش در هر نقطه‌ای از جهان که امکان است برقرار باشد، و در تحت یک سازمان هماهنگ برای نشر عدالت و قطع ایادی ستمکاران و چپاولچیان مشغول فعالیت شوند.» (صحیفه نور، ج ۳: ۳۲۴)

با بررسی آثار امام خمینی (ره) برخی از مهمترین اهداف صدور انقلاب به شرح زیر استنباط می‌شوند: ۱. توحید و دعوت به خدا؛ ۲. حفظ و گسترش اسلام و اهداف اسلامی یا دعوت به اسلام در جهان؛ ۳. اجرای اهداف و ارزش‌های اسلامی؛ ۴. احیای هویت انسانی و اسلامی؛ ۵. تحقق عدالت و مبارزه با ظلم و ستم؛ ۶. وحدت جهان اسلام؛ ۷. رفع فتنه از عالم؛ ۸. مبارزه با زراندوزی و رفاه‌طلبی؛ ۹. شکستن حصارهای جهل و نادانی و خرافات؛ ۱۰. خودسازی و تهذیب نفس. (جمشیدی، ۱۳۸۸: ۴۲۰-۴۰۶) بدون تردید

یکی از اقدامات بارز ایشان در دعوت به اسلام، ابلاغ پیام به میخائیل گورباچف رهبر اتحاد جماهیر شوروی سابق است. امام خمینی (ره) در این پیام تنها درمان درد بشر را اسلام حقیقی و ایمان به خدا می‌داند. (صحیفه نور، ج ۲۱: ۲۲۶-۲۲۱)

## ۶- نفی سبیل و عدم تعهد به دول شرق و غرب

قاعده نفی سبیل از قواعد مهم فقه اسلام است. بر اساس این قاعده حق سلطه کافران بر مسلمانان نفی شده است (فوزی تویسرکانی، ۱۳۸۸: ۲۰۵) این قاعده بر گرفته از این آیه قرآن است «خداوند برای کافران راه سلطه و نفوذ بر مسلمانان را قرار نداده است». (نساء / ۱۴۱) از منظر اسلام، سلطه دشمنان بر جامعه مسلمانان امری نارواست به گونه‌ای که اگر مبادلات و مراودات موجب گسترش نفوذ بیگانگان بر جامعه اسلامی گردد و به نحوی آن‌ها بتوانند در امور مسلمانان دخالت نمایند، چنین مبادلاتی ممنوع است. (جمشیدی، ۱۳۸۸: ۴۵۸) در این راستا و براساس این قاعده فقهی امام خمینی (ره) با هر نوع سلطه طلبی و مداخله بیگانگان در امور مسلمانان به شدت مخالفت می‌نمودند. (فوزی تویسرکانی، ۱۳۸۸: ۲۰۵) ایشان در این رابطه می‌فرمایند: «قرآن می‌گوید هرگز خدای تبارک و تعالی سلطه‌ای برای غیر مُسَلَّم بر مُسَلَّم قرار نداده است. هرگز نباید یک همچو چیزی واقع بشود؛ یک تسلطی، یک راهی، حتی یک راه نباید پیدا بکند: «لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» اصلاً راه نباید داشته باشند مشرکین؛ و این قدرت‌های فاسده راه نباید داشته باشند بر مسلمین.» (صحیفه نور، ج ۴: ۳۱۷)

همچنین در بخش دیگری از سخنان خود تأکید می‌کنند: «ما منطقمان، منطق اسلام، این است که سلطه نباید از غیر بر شما باشد. نباید شما تحت سلطه غیر بروید. ما هم می‌خواهیم نیرویم زیر سلطه. ما اصل گفتنمان این است که امریکا نباید باشد. نه امریکا تنها، شوروی هم نباید باشد؛ اجنبی نباید باشد.» (صحیفه نور، ج ۴: ۹۱)

امام خمینی (ره) استقلال ملی را از پایه‌های اسلام می‌داند و بیان می‌کند: «هیچ ملتی و هیچ شخصی حق مداخله در امور کشور ما را ندارد.» (صحیفه نور، ج ۴: ۲۴۳) ایشان در جایی دیگر ارزش حیات را به آزادی و استقلال می‌دانند. (صحیفه نور، ج ۶: ۲۱۹) و از آن‌به‌عنوان حق اولیه بشر یاد می‌نمایند. (صحیفه نور، ج ۳: ۵۱۰) امام خمینی (ره) سیاست خارجی را بر مبنای حفظ استقلال، آزادی و احترام متقابل ترسیم می‌نمود و می‌فرمودند: «سیاست دولت اسلامی، حفظ استقلال، آزادی ملت و دولت و کشور و احترام متقابل بعد از استقلال تمام خواهد بود و فرقی بین ابرقدرت‌ها و غیر آن‌ها نیست.» و در ادامه تأکید می‌نمایند: «اصلی که غیر قابل تغییر است این است که سیاست خارجی ما باید بر مبنای حفظ آزادی و استقلال کشور و نیز حفظ مصالح و منافع ملت ایران باشد.» (صحیفه نور،

ج ۴: ۴۱۱ و ۴۱۴)

امام خمینی (ره) به توضیح بیشتر درباره اصل استقلال می‌پردازند: «ما خواهان قطع روابط نیستیم. ما خواهان قطع وابستگی‌های ایران به دُول خارجی هستیم.» (صحیفه نور، ج ۵: ۴۶۷) تأکید بر اصل نه شرقی و نه غربی به معنای نفی وابستگی به قدرت‌های بزرگ بود. از نظر ایشان دُول استکباری شرق و غرب و خصوصاً امریکا و شوروی، عملاً جهان را به دو بخش آزاد و قرنطینه سیاسی تقسیم کرده‌اند. در بخش آزاد جهان، این ابرقدرت‌ها هستند که هیچ مرز و حد و قانونی نمی‌شناسند و تجاوز به منافع دیگران و استعمار و استثمار و بردگی ملت‌ها را امری ضروری و کاملاً توجیه شده و منطقی و منطبق با همه اصول و موازین خود ساخته و بین‌المللی می‌دانند. اما در بخش قرنطینه سیاسی که متأسفانه اکثر ملل ضعیف عالم و به‌ویژه مسلمانان در آن محصور شده‌اند، هیچ حق حیات و اظهارنظری وجود ندارد؛ همه قوانین و مقررات، همان قوانین دیکته شده و دلخواه نظام‌های دست‌نشانده و بر اساس منافع مستکبران است. متأسفانه اکثر عوامل اجرایی این بخش همان حاکمان تحمیل شده یا پیروان خطوط کلی استکبارند. (صحیفه نور، ج ۲۱: ۷۹)

امام خمینی (ره) اظهار می‌دارند که قدرت‌های بزرگ به توده‌های محروم باورانده‌اند که باید تحت سلطه باشند و جز این راه حیاتی برای آن‌ها نیست. (صحیفه نور، ج ۲۰: ۳۳۹) ایشان در بخش‌های مختلف سخنان خود، از وابستگی به دُول شرق و غرب به‌عنوان گرفتاری امروز دنیا اشاره می‌نمایند. «امروز دنیا گرفتار این دو قطب است و بشر گرفتار این دو قطب است که خدای تبارک و تعالی ان شاء الله نجات بدهد بشر را از این دو قطب فاسد.» (صحیفه نور، ج ۱۸: ۱۲۲)

یا می‌فرمایند: «امروز شما نمی‌توانید یک کشوری را پیدا بکنید که تمام شعارهایش «نه شرقی و نه غربی» است؛ یا از بلوک شرقند به طور رسمی یا از بلوک غربند به طور رسمی و یا وابسته‌اند به‌طور پنهان. همان غیر متعهدها هم باور نکنید که غیر متعهدند. اگر در بینشان [غیر متعهد واقعی] پیدا بشود، بسیار نادر است. و ما امروز مواجهیم با شرق و غرب و بلوک شرق و بلوک غرب و همه قدرت‌هایی که در منطقه‌ها، در سرتاسر دنیا قدرت در دست آن‌هاست.» (صحیفه نور، ج ۱۶: ۳۸۹)

بر این اساس ایشان می‌فرمایند: «این‌که جوانان ما می‌گویند «نه شرقی و نه غربی»، معنایش این است که هیچ کدام در ایران دخالت نکنند؛ و این کاملاً به‌جا و به‌حق است.» (صحیفه نور، ج ۸: ۱۱۴) ایشان می‌افزایند: دوام جمهوری اسلامی ایران بر پایه سیاست

نه شرقی و نه غربی استوار است و عدول از این سیاست، خیانت به اسلام و مسلمین و باعث زوال عزت و اعتبار و استقلال کشور و ملت ایران خواهد بود. (صحیفه نور، ج ۲۱: ۱۵۵) امام خمینی (ره) به صراحت بیان می‌کنند: «تا من هستم از اصول نه شرقی و نه غربی عدول نخواهم کرد، تا من هستم دست‌یادی امریکا و شوروی را در تمام زمینه‌ها کوتاه می‌کنم.» (صحیفه نور، ج ۸: ۲۸۶)

ایشان سیاست نه شرقی و نه غربی را در تمام زمینه‌های داخلی و روابط خارجی را تعمیم داده و به حفظ این سیاست توصیه می‌کنند و بیان می‌دارند اگر کسی خدای نخواست به شرق و یا به غرب گرایش داشت هدایت نموده و اگر نپذیرفت، او را منزوی نماید. (صحیفه نور، ج ۱۲: ۳۶۴) همچنین تأکید می‌کنند این شعار مقطعی نبوده بلکه ملاک ابدی جمهوری اسلامی و سایر مسلمانان عالم خواهد بود. چرا که شرط ورود به صراط نعمت، حق برائت و دوری از صراط گمراهان است که در همه سطوح و جوامع اسلامی باید پیاده شود. (صحیفه نور، ج ۲۰: ۳۱۹) بدین ترتیب امام خمینی (ره) همه مسلمانان را به عدم وابستگی به بلوک غرب و شرق که از مؤلفه‌های اساسی بیداری اسلامی است، دعوت می‌نمایند.

## ۷- استکبار ستیزی

از آموزه‌های سنت تشیع و از جمله تفاوت‌های آن با دیگر مذاهب مقابله با ظلم و ایستادگی در مقابل مستکبران و مستکبران است. نمونه بارز این امر امام حسین (ع) و قیام خونین ایشان است. انقلاب اسلامی ایران و حرکت امام خمینی (ره) نشأت گرفته از این قیام و در امتداد آن بود. لذا انقلاب اسلامی ایران و رهنمودهای بنیانگذار آن الگویی برای دیگر حرکت‌ها و جنبش‌های اسلامی عالم بوده و خواهد بود.

این خط مشی اساسی در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) نیز از تعالیم سیاسی قرآن کریم نشأت گرفته است. از ویژگی‌های بارز اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)، تلاش در جهت وارد کردن مفاهیم قرآنی و اسلامی در ادبیات سیاسی مسئولان و دولتمردان نظام اسلامی بود. واژه استکبار از جمله واژه‌هایی است که به‌طور عملی در این ادبیات وارد گردید. گفتمان استکبار ستیزی امام خمینی (ره) موفق به هدایت و شکل‌دهی فضای گفتمانی انقلاب اسلامی، در راستای مبارزه با آمریکا به‌عنوان سمبل استکبار و تقویت روند بیداری اسلامی در این‌باره شد (سایت خبریاب).

امام خمینی (ره) وظیفه مستضعفین در برابر مستکبران را این‌گونه بیان می‌نماید: «مستضعفین وظیفه‌شان را با مستکبرین بفهمند. این مستضعفین اکثراً نمی‌دانند. ما هم نمی‌دانیم. ما هم جزء مستضعفین هستیم. نمی‌دانیم که این‌ها به سر ما چه آورده‌اند. بعضی از

ورقه‌های کوچکش دست ماست و می‌دانیم. بعضی مشاهدات ما هست و چیزهایی که به چشم دیدیم. اما مسائل زیاد زیر پرده را ما نمی‌توانیم بفهمیم. ما می‌خواهیم آن مقداری که فهمیدیم و آن مقداری که امکان دارد بفهمیم این را درست عرضه کنیم به مستضعفین دنیا. به ممالک دنیا. تا بفهمند مستضعفین که این مستکبرین با آن‌ها چه می‌کنند. این ابر قدرت‌ها با این‌ها چه می‌کنند. ما می‌خواهیم بفهمانیم به خود ملت امریکا که نسبت به ملت امریکا این‌ها چه کردند تا حالا. این‌ها چه جنایاتی کردند که ملت امریکا را هم در نظر مردم دارند از بین می‌برند. این‌ها چقدر به خود امریکا لطمه وارد کردند، لطمه حیثیتی، لطمه انسانی، و چقدر به سایر کشورها و ملت‌ها. ما اگر چنانچه قدرت داشته باشیم تمام مستکبرین را از بین خواهیم برد.» (صحیفه نور، ج ۱: ۲۷۳-۲۷۲)

ایشان در بخش‌های مختلف و به مناسبت‌های گوناگون نسبت به مسئله استکبارستیزی مسلمانان و لزوم این امر، بیاناتی را ایراد فرموده و بر این موضوع تأکید داشته‌اند. می‌توان گفت چگونگی الهام‌گیری مسلمانان از اندیشه‌های امام خمینی (ره) در مبارزه، ترویج و انتقال فرهنگ ایثار و شهادت، پیدایش جنبش‌های اصیل بیداری اسلامی و رشد روزافزون معنویت‌گرایی در خاورمیانه و جهان اسلام، از تأثیرات غیر ارادی انقلاب اسلامی و اندیشه‌های سیاسی امام خمینی (ره) است. (غفاری، ۱۳۹۰: ۱۳۵-۱۳۴)

### ۸- تأکید بر امت واحده و نفی ملی‌گرایی

براساس آموزه‌های دینی، مسلمانان با یکدیگر برادرند و از این‌رو باید با پرهیز از وجوه افتراق در قالب امت واحده و با تمسک به آموزه‌های دینی و با تقویت جریان بیداری اسلامی باید به یاری یکدیگر بشتابند. امام خمینی (ره) با استناد به کتاب و سنت، اهتمام به امور مسلمین را از واجبات می‌داند. ایشان همچنین بر اساس اصل تولی و تبری به این موضوع تأکید داشته‌اند؛ لذا بنا به همین امر، بر تقویت روابط برادرانه با مسلمانان و جهان اسلام تأکید داشته و دفاع از ملت مظلوم فلسطین و سایر مسلمانان جهان نیز در همین راستا بوده است. (فوزی تویسرکانی، ۱۳۸۸: ۲۱۳-۲۱۲)

ایشان می‌فرمایند: «به حکم قرآن مجید با ملت‌ها و دولت‌های اسلامی به رحمت و اخوت، و با کفار و غارتگران بین‌المللی به شدت و قدرت عمل کنند.» (صحیفه نور، ج ۱۵: ۲۹۲) همچنین می‌افزایند: «ما برای دفاع از اسلام و ممالک اسلامی و استقلال ممالک اسلامی در هر حال مهیا هستیم. برنامه ما برنامه اسلام است، وحدت کلمه مسلمین است، اتحاد ممالک اسلامی است، برادری با جمیع فرق مسلمین است در تمام نقاط عالم، هم پیمانی با تمام دول اسلامی است در سراسر جهان؛ مقابل صهیونیست، مقابل اسرائیل، مقابل دول استعمارطلب.» (صحیفه نور، ج ۱: ۳۳۶) و یا در جایی دیگر بیان می‌کنند: «ما

دست برادری به تمام ملت‌های اسلامی می‌دهیم و از تمام آنان برای رسیدن به هدف‌های اسلامی استمداد می‌کنیم.» (صحیفه نور، ج ۷: ۱۷۰)

وحدت نه تنها هدف مبارزه بلکه موجب پیروزی در مبارزه نیز می‌گردد. (جمشیدی، ۱۳۸۸: ۴۱۷) وحدت مسلمین به‌عنوان یک استراتژی مهم در دیدگاه امام خمینی (ره) است. در همین راستا ایشان به شدت تلاش می‌نمود تا از اختلافات مذهبی بین شیعه و سنی جلوگیری نمایند. (صحیفه نور، ج ۶: ۳۸۴)

این امر تا بدان‌جا بود که ایشان علاوه بر مسئولین، به حجاج ایرانی و شیعیان سایر کشورها توصیه می‌کردند در موسم حج، برخی معتقدات شیعه را به نفع وحدت مسلمین و اسلام کنار بگذارند. (صحیفه نور، ج ۱۰: ۶۲ و ۶۱) چنان‌که از بیانات ایشان استنباط می‌شود، علاوه بر مجاری رسمی و دیپلماتیک، افراد عادی نیز می‌توانند در ایجاد وحدت بین مسلمین نقشی ایفا نمایند. اعلام هفته وحدت یکی از اقدامات جمهوری اسلامی در راستای حفظ وحدت مسلمین بوده است.

ایشان از ایجاد یک دولت بزرگ اسلامی تحت رهبری واحد سیاسی سخن گفته‌اند: «من امیدوارم که همه ملت‌های اسلام ... بیدار بشوند و همه با هم بشوند یک دولت بزرگ اسلامی، یک دولت زیر پرچم «لا إله إلا الله» تشکیل بدهند و این دولت بر همه دنیا غلبه بکند.» (صحیفه نور، ج ۶: ۲۳۴) امام خمینی (ره) در بحث از سرزمین، مملکت اسلامی یا جامعه اسلامی را مورد نظر داشته‌اند و از آن با عنوان دارالاسلام یا سرزمین اسلام یاد می‌نمایند؛ یعنی جایی که مسلمانان در آن زندگی می‌نمایند. مرز دارالاسلام را ایمان و عقیده تشکیل می‌دهد نه مرزهای جغرافیایی. (جمشیدی، ۱۳۸۸: ۴۶۳-۴۶۲)

امام خمینی (ره) درد بزرگ جوامع اسلامی را جدا شدن از احکام مترقی اسلام و تفرقه می‌داند؛ درمان نیز در بازگشت به اسلام ناب و وحدت مسلمین و دولت‌های اسلامی می‌داند. (حسینی‌فر، ۱۳۸۸: ۲۸۰-۲۷۹) لذا ایشان می‌فرمایند: «ای مسلمانان جهان و ای پیروان مکتب توحید! رمز تمام گرفتاری‌های کشورهای اسلامی، اختلاف کلمه و عدم هماهنگی است و رمز پیروزی، وحدت کلمه و ایجاد هماهنگی است.» (صحیفه نور، ج ۱۰: ۱۶۰)

## نتیجه‌گیری

انقلاب اسلامی به رهبری حضرت امام خمینی (ره) نه تنها ارمغان رهایی ملت ایران را به همراه داشت؛ بلکه دیگر مسلمانان را نیز به این باور رساند که با ایمان و اعتقاد راستین و وحدت می‌توانند از خواب غفلت بیدار شده و در مقابل قدرت‌های ستمگر عالم ایستادگی نمایند. شناخت مؤلفه‌های تأثیرگذار اندیشه امام بر جریان بیداری اسلامی معاصر هدف اصلی این مقاله بود. در این باره سعی شد به این سؤال اصلی پاسخ داده شود که مؤلفه‌های اساسی بیداری اسلامی در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) چیست؟ در پاسخ به این سؤال پس از توضیح مختصر درباره کلیاتی در باب بیداری اسلامی به بررسی مؤلفه‌های اساسی در اندیشه امام خمینی (ره) پرداخته شد. نتیجه‌ای که از مباحث طرح شده حاصل شد؛ ویژگی‌های مؤثر چندی است؛ بر گرفته از اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) که موجب حرکت و جوشش سایر مسلمانان عالم خواهد بود.

از جمله این ویژگی‌ها که در این بحث ذکر آن رفت؛ الگوی ساختار حکومتی مبتنی بر نظریه ولایت فقیه؛ تأکید بر عدم جدایی دین از سیاست، رابطه دین و سیاست یکی از مباحث محوری و مهم اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) بوده و ایشان اسلام را دینی سیاسی می‌دانند. ویژگی دیگر احیا و تقویت تمدن اسلامی است. ایشان بر ایجاد حکومت اسلامی تأکید داشتند. از این طریق اتحاد ملل اسلامی در راستای آماده‌سازی قیام جهانی حضرت مهدی (عج) فراهم خواهد آمد. همچنین توجه ایشان به لزوم حمایت از مظلومان جهان که موجب احساس مسئولیت مسلمانان نسبت به مظلومان سایر ملت‌ها به‌ویژه ملت‌های مسلمان خواهد شد. دعوت و صدور انقلاب اسلامی از دیگر مؤلفه‌ها در اندیشه سیاسی ایشان است که این امر در راستای ایجاد حکومت جهانی اسلام قرار می‌گیرد.

ویژگی دیگر در اندیشه سیاسی ایشان نفی سبیل و عدم تعهد به دول شرق و غرب است. این امر بر گرفته از آموزه‌های دین اسلام بوده که سلطه کافران را بر مسلمانان نفی می‌کند و امام خمینی (ره) به کرات بر این موضوع تأکید نموده‌اند. استکبار ستیزی از دیگر ویژگی‌های مورد بحث است و آخرین ویژگی مورد بررسی در این مقاله تأکید امام خمینی (ره) بر امت واحده و نفی ملی‌گرایی است. چرا که تأکید بر ملی‌گرایی موجب تفرقه مسلمانان در برابر دشمنان خواهد شد. مجموعه عوامل یاد شده هم موجب رشد و گسترش آگاهی ملت‌های مسلمان نسبت به وظایف و مسئولیت‌های خود شده و هم نیازمند حرکتی انقلابی از سوی مسلمانان است. در نتیجه این آگاهی، حرکت‌ها و جوشش‌هایی را در جهت احیای اسلام ناب و در قالب حرکت‌های بیداری اسلامی پدید می‌آورد که امروزه به شکل گسترده، نمونه‌های آن در کشورهای عربی و شمال آفریقا قابل مشاهده است.



## منابع

- الغنوشی، راشد (۱۳۷۷)، *حرکت امام خمینی و تجدید حیات اسلام*، ترجمه سید هادی خسروشاهی، تهران: اطلاعات.
- امّهطلب، مصطفی (۱۳۹۰)، «بازیابی تمدن اسلامی و آینده جهان»، *سایت پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*.
- جمشیدی، محمدحسین (۱۳۸۸)، *اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)*، تهران: پژوهشکده امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی.
- جهان بزرگی، احمد (۱۳۷۸)، *اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)*، تهران: کانون اندیشه جوان.
- حسینی فر، رضا (۱۳۸۸)، *امام خمینی (ره) و موج بیداری اسلامی*، قم، معارف.
- خدادادی، محمداسماعیل (۱۳۹۰)، «معنویت‌گرایی در تعمیق بیداری اسلامی»، *سایت طوبی*.
- زارع، محمدرضا (۱۳۸۳)، *علل رشد اسلام‌گرایی در ترکیه*، تهران: مؤسسه مطالعات اندیشه سازان نور.
- شیروودی، مرتضی (۱۳۹۰)، «انقلاب اسلامی و بیداری اسلامی، تأثیرگذاری و نمونه‌ها»، *سایت طوبی*.
- صوفی نیارکی، تقی (۱۳۹۰)، *بیداری اسلامی، حادثه معجزه‌آسا*، تهران: اداره کل امور دینی و اعزام مبلغ سازمان اوقاف و امور خیریه.
- غفاری هاشجین، زاهد (۱۳۹۰)، «نقش انقلاب اسلامی در شکل‌گیری و گسترش بیداری اسلامی» در *مجموعه مقالات همایش بیداری اسلامی: تحول جغرافیای سیاسی - فرهنگی خاورمیانه*، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی.
- فوزی توپسرکانی، یحیی (۱۳۸۸)، *اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)*، قم: دفتر نشر معارف.

- موسوی خمینی، روح الله (۱۳۷۵)، **ولایت فقیه: حکومت اسلامی**، تهران: امیرکبیر.
- (بی تا). **صحیفه نور**، جلد‌های ۴، ۱۲، ۱۳، ۲۱، ۱۱، ۵، تهران: عروج.
- (بی تا). **کشف الاسرار**، قم: آزادی.
- (۱۳۷۲). **آداب الصلوه**، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- (۱۳۷۹). **البیع**، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- محمدی، منوچهر (۱۳۹۰)، «بازتاب انقلاب اسلامی در جهان اسلام»، **مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی**، ش ۶۳.
- مظاهری مقدم، ابودر (۱۳۹۰)، «بیداری اسلامی و نقش آن در فرایند تحقق تمدن اسلامی». سایت پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- نجفی، موسی (۱۳۸۶)، «موج چهارم بیداری»، **همشهری**، ۳ آبان. سال ۱۵. صص ۱۷ و ۲۱.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۷)، **انقلاب فرامدرن و تمدن اسلامی (موج چهارم بیداری اسلامی)**، تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۰)، «نمی‌خواهند ماهیت اسلامی این بیداری را قبول کنند»، سایت تابناک.
- یزدان دوست، حسینعلی (۱۳۹۰)، «جهان ونهضت بیداری اسلامی»، سایت سازمان تبلیغات اسلامی.
- یوسفی، بتول (۱۳۹۰)، «بررسی جریان بیداری اسلامی در قرن معاصر با تأکید بر اندیشه امام خمینی (ره) و آیت الله سیدعلی خامنه‌ای». **مجموعه مقالات همایش بیداری اسلامی: تحول جغرافیای سیاسی - فرهنگی خاورمیانه**، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی.
- (۱۳۹۰)، «استکبارستیزی در نگاه امام خمینی (ره)». سایت خیریاب.